

حضور قلب در نماز

انسان در مسیر زندگی دنیایی خویش، لحظاتی شیرین و به یاد ماندنی را تجربه می کند که شیرینی آن، همیشه در کام وجودش ماندگار است. از بین تمام این لحظات، شیرین ترین لحظات عمر یک مؤمن واقعی، لحظاتی است که با خدای بی نیاز به خلوت نشسته و به راز و نیاز و عبادت با حضرت حق می پردازد.

البته این شیرینی را، انسانی می تواند احساس کند که طعم ایمان واقعی را از عمق جانش چشیده باشد. چنین کسی هرگز حاضر نیست که این لحظه ی زیبا و دلربا را با تمام دنیا و آنچه در آن است معاوضه نماید.

او در حال عبادت و نماز که زیباترین مصداق عبادت است، به معشوق واقعی خویش دست یافته و از خلوت با او به چنان لذتی دست یافته که در کل این عالم، برای آن ماندنی نمی بیند، و لذا به هیچ قیمتی حاضر نیست آن را از دست بدهد.

در میان عبادات، هیچ عبادتی به مانند نماز، نمی تواند قلب کوچک آدمی را به دریای بی کران رحمت الهی وصل نماید، و روح انسان را از سرچشمه ی فیوضات بی انتهای خداوند بی همتا، سیراب نماید.

لحظه ی نماز، باشکوه ترین لحظه ی ارتباط انسان سراپا نیاز به وجود مطلق بی نیاز است. در حقیقت آن لحظه ی نورانی، فرصتی است طلایی که خداوند مهربان، بر ما منت نهاده و از سر لطف و محبتی که به بندگانش دارد، آن را در اختیار ما قرار داده، تا در آن فرصت زیبا، بتوانیم، قلب و جان خود را از عالم طبیعت و خاک، جدا نموده و روحمان را به عالم بالا پرواز داده و در سایه ی این پرواز ملکوتی، به جان خود صفا و جلاء بخشیم.

سرور عالم، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در کلامی زیبا، نماز را به سر انسان تشبیه نموده و می فرماید: «مَوْضِعُ الصَّلَاةِ مِنَ الدِّينِ كَمَوْضِعِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ»^۱؛ جایگاه نماز در دین، همانند جایگاه سر در بدن است.

این تشبیه زیبا، در کلام نورانی حضرت بدین خاطر است که، در بدن آدمی هر عضوی از اعضاء بدن به نوبه ی خود، وظیفه ای مهم را عهده دار هستند، ولی در این میان نقش سر، از همه مهمتر است، زیرا مغز که فرمانده ی بدن بوده و تصمیم گیری ها در آن انجام می گیرد، در سر انسان قرار گرفته است.

الله اکبر با نور دلربای خود به ما می گوید خدا بزرگتر است از اینکه با قلم و بیان ناچیزمان وصف شود، بزرگتر از فکر و خیال ما، بزرگتر از هوسها و وسوسه های شیطانی و جلوه های دنیا، این است آن راز نهفته در ذکر نورانی «الله اکبر»، راستی اگر واقعا خدا در نظر ما بزرگتر از هر چیزی باشد و کلمه ی «الله اکبر» از عمق جان ما برآید، دنیا با تمام جاذبه ها و جلوه هایش، در نظر ما کوچک و بی مقدار خواهد شد که نتیجه ی چنین حالتی، حضور جانانه و عاشقانه در نماز است.

بنابراین به یقین می توان گفت: بدن منهای سر، موجود بی خاصیتی است که فاقد هرگونه ارزش است، در ساختمان دین ما نیز، نماز همانند سر در بدن آدمی است، که اگر نباشد، پایه ی ساختمان دین ما، سست شده و از ارزش ساقط می شود.

حضور عاشقانه

آدمی در این کره ی خاکی همیشه آرزوهایی را در آسمان ذهن خود به زیباترین شکل نقاشی نموده و برای رسیدن به آنها، نهایت تلاش خود را انجام می دهد. طبیعی است که از میان انبوه آرزوهایش یکی از آنها، بیشتر خودنمایی کرده و چون ستاره ای چشمک زنان از او دلربایی می کند، مؤمنین خداجویی نیز، از این امر مستثنی نبوده، آنها در صفحه ی قلب خود آرزویی را حک نموده اند که از نظر اهمیت، در حدی است که بیان و قلم از توصیف آن عاجز است.

آن آرزوی نورانی و آسمانی که همواره فکر و اندیشه مؤمن را به خود مشغول نموده این است که به هنگام اوقات معنوی نماز، نمازی آبرومند را به درگاه الهی تقدیم نموده، به گونه ای که در آن حضوری عاشقانه در محضر خداوند بی نیاز داشته باشد که در لسان ادبیات اسلامی، از آن به حضور قلب تعبیر می شود.